

انقلاب اسلامی و تحول در نظریه‌های انقلاب

انقلاب اسلامی به عنوان انقلابی بزرگ در برهه دوقطبی‌شدگی جهان رخ داد؛ شرایطی که در آن، بدون اتکا به یک ابرقدرت امکان هیچ‌گونه حرکت و...



انقلاب اسلامی به عنوان انقلابی بزرگ در برهه دوقطبی‌شدگی جهان رخ داد؛ شرایطی که در آن، بدون اتکا به یک ابرقدرت امکان هیچ‌گونه حرکت و رشدی برای کشورها نبود، پس با شعار نه شرقی و نه غربی و دست رد زدن به نظام دوقطبی در عرصه سیاست بین‌الملل، مثلاً، زلزله‌ای خام‌میانه را لرزاند. به گزارش ایسنا، حسن فارسی، معاون هماهنگی و امور مجلس جهاددانشگاهی در یادداشتی که در اختیار ایسنا قرار داده نوشته است که انقلاب اسلامی به عنوان اولین انقلاب پست مدرن در اواخر قرن بیستم برای دنیا الهام بخش شد؛ اثرات انقلاب اسلامی در وجوه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و به طور کلی در سطوح داخلی و روابط بین‌المللی خلاصه نشد؛ بلکه این انقلاب که متکی به خواستن و توانستن مردم بود و این اصل را سرلوحه خود قرار داده بود، در ابعاد نظری علوم اجتماعی و مشخصاً علم سیاست و خصوصاً تئوری‌های انقلاب هم منشأ تولد نسل چهارم نظریه پردازی‌های انقلاب شد. تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، بیشتر نظریه پردازان با نگاه ساختاری به تحلیل و تبیین انقلاب‌ها می‌پرداختند، اما با وقوع انقلاب اسلامی و ناتوانی این دسته از نظریات در بررسی و تبیین علل، ریشه‌ها و پیامدهای آن، نسل جدیدی از تحلیل انقلاب‌ها شکل گرفت که کاملاً تحت تاثیر پدیده انقلاب اسلامی بودند و مشخصه مهم این نسل این ست که از سطح ساختارگرایی محض فراتر رفته و برای اراده مردم، ایدئولوژی و دین نقش اساسی قائل شده‌اند، تحلیلگران این نسل معترف شدند که اگر در دنیا تنها یک انقلاب آگاهانه و براساس اراده مردم شکل گرفته باشد، آن انقلاب، انقلاب اسلامی ایران است؛ انقلابی که با رهبری مرجعیت شیعه (حضرت امام خمینی قدس سره)، با الگو گرفتن از قیام عاشورا و امید به جامعه مهدوی، الهام بخش جهانیان و به ویژه مسلمانان و مظلومان در اقصی نقاط عالم شد. آری اینگونه است که به انقلاب اسلامی خود می‌بالیم.